

مقالات علمی

تأسیس جمهوری اسلامی ایران از آن حیث که کل معادلات سیاسی اجتماعی در گستره جهان را کم و بیش تحت تأثیر قرار داد، از جمله پدیده‌های مهم سیاسی می‌باشد که در مطالعات امنیتی حوزه مستقلی را برای خود اختصاص می‌دهد. این مقوله از دو منظر بیرونی و داخلی قابل تحلیل می‌باشد که عمده مقالات این شماره در قالب همین دو رویکرد تنظیم شده است.

دو مقاله اول ضمن تأکید بر بعد داخلی موضوع، با وضع دو مفهوم بنیادین «حقوق امنیتی» و «جغرافیای امنیتی»، سعی در بررسی میزان ثبات یا بی‌ثباتی احتمالی در ایران و سنجش حقوق، سیاسی و اجتماعی آن دارند. بر این مبنا کانونهای ناامنی و تمهیدات مختلف به عمل آمده برای مقابله با این کانونها به شکل مبسوطی از سوی نویسندگان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

دو نوشتار بعدی که برگردانی از دیدگاه تحلیلگران خارجی را شامل می‌شود، بیشتر بر محیط بیرونی جمهوری اسلامی ایران نظر دارند. در مقاله نخست مقتضیات منطقه‌ای امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته است و چشم‌انداز تازه‌ای را از امنیت ملی در منطقه ترسیم نموده که جمهوری اسلامی ایران نیز بالطبع مشمول آن و متأثر از پیامدهای آن خواهد بود. در دومین نوشتار، وضعیت ثبات سیاسی در کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به جایگاه عالی کشورهای عربی در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، توجه به این بعد مهم ضروری است که آخرین مقاله به شکل مبسوطی به آن پرداخته است.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی

حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها

■ چکیده

هدف مؤلف در این نوشتار آن است تا رابطه حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها را تبیین نماید. برای این منظور ضمن تعریف واژگان بالا و معرفی نمودن رشته حقوق امنیتی، به بیان این ایده کلی پرداخته است که: این سه عنصر اجزای یک سیستم واحد تلقی می‌شوند و نوعی تعامل بین آنها وجود دارد که درک آن برای فهم ماهیت این سیستم ضروری می‌باشد. براین اساس کارکرد نامناسب هر یک از این سه مؤلفه می‌تواند در هر نظامی ایجاد اختلال نموده و ناامنی را دامن زند. همچنین، ترتیب بیان شده حاکی از تقدم و تفوق اجزاء مذکور در یک رابطه طولی است که در حد نوشتار حاضر و با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبیین و تأیید گردیده است. نتیجه آن که، بزعم نویسنده، رسانه مصداقی از ابزارهای کنترل اجتماعی به شمار می‌آید و بنابراین لازم است تا وظیفه خود را در پرتو نظریات کنترل اجتماعی به نحو احسن به انجام رساند. از طرف دیگر، کنترل اجتماعی و کارکرد رسانه‌ها نیز در فضای ساختاری حقوق امنیتی هر نظام سیاسی معنا پیدا می‌کند و نقش آفرینی رسانه خارج از چهارچوب مفروض یک نظام سیاسی، بی‌معنا و غیرمنطقی و عامل ناامنی است.

■ فهرست

مقدمه.....	۱۲۶
الف - اصول کلی امنیتی در حقوق امنیتی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۲۸
اول - اصول کلی عمومی.....	۱۲۹
دوم - اصول کلی مربوط به رسانه‌ها.....	۱۳۰
ب - رابطه متقابل حقوق امنیتی - امنیت ملی و رسانه‌ها.....	۱۳۲
اول - رابطه حقوق امنیتی با رسانه‌ها.....	۱۳۲
دوم - رابطه رسانه‌ها با حقوق امنیتی و امنیت ملی.....	۱۳۵
نتیجه‌گیری.....	۱۴۱
یادداشتها.....	۱۴۲

■ کلید واژه‌ها

اسلام.....	
انقلاب.....	
امام خمینی <small>علیه السلام</small>	
سیاست.....	
اقتصاد.....	
فرهنگ.....	
ثبات.....	
امنیت.....	
ایران.....	

مقدمه

با توجه به اهمیت و ضرورت تحدید معنای واژگان مورد بحث، نخست مهم‌ترین این واژگان را در حد نوشتار حاضر تعریف می‌نماییم:

۱- برخی از مفاهیم اجتماعی دارای ثبات هستند و در عین این که در بستر زمان و مکان از درون دگرگونی می‌پذیرند اما وحدت و دوام خود را حفظ می‌نمایند. حقوق از جمله چنین مفاهیمی است. تاریخ جوامع بشری از آغاز تاکنون وجود قواعد و ضوابط برای زندگی اجتماعی و همچنین تصور حق و تکلیف را بدیهی و مفروض می‌دانسته است. امنیت نیز چنین است و اگر چه نظریات امنیتی، پسین‌تر از آغاز زندگی اجتماعی ابتدایی است اما مفهوم کلی امنیت همزاد و همراه زندگی بشری بوده است.

۲- تحولات، پیشرفت‌ها و پیچیدگیهای روابط بین‌المللی، اجتماعی، اقتصادی و فنی باعث گردیده که رشته جدیدی تحت عنوان «حقوق امنیتی یا حقوق امنیت ملی»^۱ پدید آید. (۱) این رشته، قواعد، ضوابط و نظریات حقوقی در موضوع امنیت را بررسی و بیان می‌کند. در واقع حقوق امنیت ملی هر کشور در تلاش است که با شناخت قواعد مناسب با توجه به ویژگیهای خاص کشور، امنیت ملی را حفظ و در صورت امکان توسعه دهد. از این نظر، حقوق امنیت ملی به مثابه ایدئولوژی هر نظام سیاسی تلقی می‌گردد زیرا یکی از خصوصیات مهم ایدئولوژی، یعنی نفوذ در تمام اجزای نظام در آن وجود دارد. موضوعات مختلفی در این بخش مطرح می‌گردد که در نوشته حاضر تنها به مباحث

محدودی مانند آزادی بیان؛ حقوق و تکالیف رسانه‌ها پرداخته می‌شود.

۳- کنترل اجتماعی^۱ مفهومی جامعه‌شناختی است که در معنای کلی خود به همراه حقوق و قانون از ابتدای شکل‌گیری جوامع وجود داشته اگرچه تئوریهای منسجم کنترل اجتماعی کمی بیش از یک قرن عمر کرده است. (۲) نظریات کنترل اجتماعی، نظریاتی ابزاری تلقی می‌شوند و محققان، کنترل اجتماعی را روشها و وسایلی دانسته‌اند که برای تطبیق آحاد جامعه با هنجارهای اجتماعی به کار می‌رود. به عبارت دیگر فرآیندهایی که رفتار اعضای جامعه را برای سازواری با هنجارهای عمومی (یا گروهی) تحت تأثیر قرار می‌دهند و بدان وسیله، مردم به منظور پیوستن به سنتها و الگوهای رفتاری‌ای که برای کارکرد آسان یک جامعه (یا گروه) اهمیت دارد تحریک می‌شوند کنترل اجتماعی گفته می‌شود. (۳)

۴- رسانه یا رسانه جمعی^۲ در معنای وسیع شامل کلیه وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرات می‌پردازد. این وسایل که دارای تنوع فراوان هستند (مانند روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، شبکه‌های رایانه‌ای و...) از ابزارهای کنترل اجتماعی تلقی می‌گردند.

شاید یکی از مهمترین سؤالات مطرح در جامعه فعلی ما آن باشد که چرا بسیاری از امور، سازمان‌نیافته، پراکنده و نابسامان به نظر می‌رسد. در مسایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و... این سؤال قابل طرح است. ممکن است در مقابل این سؤال یا سؤالات، پاسخهایی متفاوت از دیدگاههای گوناگون داده شود و هر پاسخ گوشه‌ای از حقیقت را بیان کند. به نظر نگارنده، صرف‌نظر از تحلیلهای مختلف، یک پاسخ کلی که در واقع عین مشکل و سؤال اصلی است وجود دارد و آن پاسخ آن است که «به قواعد و ضوابط توجه نمی‌شود و در واقع قانون و حقوق محترم نیست». اگرچه موضوع خاص مورد بحث، رسانه‌ها و ارتباط آن با امنیت و ثبات است ولی به نظر می‌رسد در حال حاضر مشکل اصلی در کشور ناشی از این امر کلی است. در بیان این مطلب توجه به دو نکته ذیل سودمند است:

۱- مرحله نظری: اداره یک کشور بر اساس قانون امری بدیهی است اما تدوین قوانین و رعایت تقدم و تأخر آنها دشوار است. قانون اساسی یک کشور دربردارنده اصول کلی

و اساسی یک نظام سیاسی است، تفریع فروع از قانون اساسی به شیوه‌ای که وحدت و هماهنگی اصول کلی مخدوش نشود و حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی و حقوقی سازگار با قانون اساسی متعادل گردد کار آسانی نیست. اگر در این امر بی‌توجهی یا اشتباه صورت گیرد، ناکارایی، تعارض و پراکندگی، قابل پیش‌بینی و مسلم است. رابطه بین مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی از این نظرگاه در سایه قانون اساسی صورت می‌گیرد و گرنه معنا کردن هر پدیده، خارج از اصول کلی نظام سیاسی نتایج مذکور را به دنبال خواهد داشت. بنابراین مفهوم امنیت، کنترل اجتماعی و رسانه و رابطه آنها نیز در پرتو اصول کلی قانون اساسی که از مهمترین منابع حقوق امنیتی کشور است معنا خواهد یافت.

۲- مرحله عملی: التزام و پایبندی به حقوق و ضوابط، از لوازم قطعی امنیت و کنترل اجتماعی است. در کشوری که غالب افراد جامعه یا حتی نخبگان آن به اجرای حقوق و قواعد آن متعهد نباشند چیزی جز بی‌نظمی و بی‌ثباتی پدید نخواهد آمد. این که راههای ایجاد تعهد و التزام چیست بحث مستقلی است که به مناسبت در مباحث بعدی به اختصار به آن اشاره می‌گردد.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد بی‌توجهی به منابع حقوق امنیتی از جمله قانون اساسی و ارتباط منطقی آن با ابزارهای کنترل اجتماعی و به طور خاص رسانه‌ها، ممکن است موجب بی‌نظمی و حتی اخلاف در امنیت ملی و ثبات سیاسی گردد و برعکس توجه به اصول امنیتی و منابع حقوقی آن و برقراری ارتباط صحیح و منطقی بین پدیده‌های اجتماعی با آن، می‌تواند موجب تقویت امنیت و ثبات باشد.

الف- اصول کلی امنیتی در حقوق امنیتی جمهوری اسلامی ایران

منابع حقوق امنیتی در کشورهای مختلف یکسان نیست اما به‌طور کلی قوانین اساسی، مصوبات مراجع قانونگذاری، مصوبات مراجع امنیتی و مصوبات مقامات عالی سیاسی (در حدود قوانین) از مهمترین منابع حقوق امنیتی به شمار می‌رود. (۴) در این فصل به اصول کلی مورد قبول قانون اساسی جمهوری اسلامی که با امنیت ملی کشور ارتباط پیدا می‌کند و قانون اساسی با تأکید بر آنها، این اصول را جزء هویت نظام جمهوری اسلامی و منافع یا اهداف ملی می‌داند و به عبارت دیگر اخلاف در آنها را منافی بقاء یا ثبات خود می‌بیند اشاره می‌شود. در این فصل ابتدا بر اصول عمومی و سپس اصول مرتبط با رسانه‌ها توجه می‌گردد.

اول - اصول کلی عمومی

۱ - اسلامی و شیعه بودن

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصول ۲، ۴، ۱۲، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۴، ۱۰۵، ۱۷۰، ۱۷۷ اسلامی بودن نظام باید در تمام ارکان و شئون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور حاکم باشد و عدول از این اصل به هیچ وجه امکان پذیر نیست. وجود ۲ نهاد سیاستگذار و ناظر زیر برای تضمین حفظ اصل فوق پیش‌بینی شده است:

- ۱-۱- ولایت فقیه: مطابق با نظر صریح قانون اساسی که در مقدمه شیوه حکومت در اسلام، مقدمه ولایت فقیه عادل و اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۷۷ آن بیان شده است، وجود این نهاد شاخص و لازمه نظام جمهوری اسلامی است.
- ۱-۲- شورای نگهبان: با توجه به مقدمه شیوه حکومت در اسلام و اصول ۴، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۹، قانون اساسی نهاد شورای نگهبان برای نظارت بر اسلامی بودن مقررات و تطابق آن با قانون اساسی و برخی امور دیگر تأسیس شده است.

۲ - کرامت و ارزش انسانها، جمهوریت، آزادی و اتکای به آرای عمومی

مبانی این عناوین در مقدمه شیوه حکومت در اسلام، اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۵۶، ۵۹، ۱۰۰، ۱۷۵ و ۱۷۷ بیان شده است.

۳ - استقلال، تمامیت ارضی، حفظ ارکان حاکمیت و نیروهای مسلح

اصول ۲، ۹، ۵۷، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۰۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۶ و اصول مربوط به قوای سه‌گانه مستندات این بند می‌باشد.

۴ - وحدت و همبستگی ملی

در اصول ۲، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۰۰ به اصل حیاتی فوق، تأکید و توجه گردیده است.

۵ - عدالت، مساوات، رشد اقتصادی و فنون، رفاه اجتماعی و پیشرفت علمی

در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۲، ۱۹، ۲۰، ۴۴، ۱۴۲ و ۱۷۵ به شدت بدان توجه گردیده است.

۱۳۰- ۶- تشکیل امت واحد جهانی، حمایت از مستضعفان

از جمله اهداف اساسی نظام اسلامی در این بند، در مقدمه شیوه حکومت در اسلام و اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴ بیان شده است.

۷- حفظ بنیان خانواده و حقوق زن

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقدمه زن در قانون اساسی و اصل ۱۰ به این امر توجه می‌کند.

۸- محیط زیست

اصل ۵۰، اهمیت و ضرورت حفظ محیط زیست را مطرح می‌کند. اصول کلی و عمومی فوق در قالب اهداف، منافع و اصول ملی قابل تقسیم‌بندی می‌باشد.

دوم- اصول کلی مربوط به رسانه‌ها

۱- حقوق و کارکردهای مثبت

۱-۱- تکامل انقلاب و فرهنگ اسلامی: قانون اساسی در مقدمه خود با عنوان

وسایل ارتباط جمعی چنین می‌گوید:

«وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید...»

۱-۲- ایجاد آگاهی عمومی: بند ۲ از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌کند برای رسیدن به اهداف نظام همه امکانات خود را در مورد «بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» به کار برد.

۱-۳- امر به معروف و نهی از منکر: در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...» رسانه‌ها از مهمترین موضوعات این اصل می‌باشند.

۱-۴- آزادی: اصل نهم قانون اساسی در قسمت اخیر خود بیان می‌کند:

«... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع ۱۳۱

را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.»

در اصل بیست و سوم قانون اساسی نیز می‌خوانیم:

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

اصل بیست و چهارم بر حقوق مطبوعات و نشریات بطور مشخص تأکید نموده،

می‌گوید:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند...»

و بالاخره اصل یکصد و شصت و هشتم را داریم که در مورد رسیدگی به جرائم

مطبوعاتی چنین بیان می‌کند:

«رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم

دادگستری صورت می‌گیرد...»

همین حق در اصل یکصد و هفتاد و پنجم در مورد صدا و سیما مورد تأکید قرار گرفته

است:

«در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین

اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.»

۲- محدودیتها و تکالیف

۲-۱- پرهیز از اشاعه مسایل ضداسلامی: در انتهای مقدمه و مسایل ارتباط جمعی در

قانون اساسی آمده است:

«وسایل ارتباط جمعی (راديو و تلویزیون) بایستی... از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی

و ضداسلامی جداً پرهیز کنند...»

۲-۲- سوءاستفاده نکردن از آزادی: در اصل نهم قانون اساسی به این نکته اشاره

شده است که:

«... هیچ فرد یا گروهی یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی،

فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند...»

۲-۳- اخلال وارد نساختن به مبانی اسلام و حقوق عمومی: اصل بیست و چهارم

۱۳۲ قانون اساسی چنین می‌گوید:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...»

۲-۴- سوءاستفاده نکردن از حق: اصل چهارم قانون اساسی نظریه عمومی سوءاستفاده از حق را مطرح می‌کند:

«هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

۲-۵- رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور: اصل یکصد و هفتاد و پنجم در مورد صدا و سیما این قید را مطرح می‌کند:

«در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.»

شایان ذکر است که در کنار قانون اساسی، قوانین خاص دیگر مانند قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ را داریم که در آنجا نیز رسالتها، حقوق و حدود مطبوعات به صورت مبسوط‌تری آمده‌اند.

ب- رابطهٔ متقابل حقوق امنیتی - امنیت ملی و رسانه‌ها

اول- رابطهٔ حقوق امنیتی با رسانه‌ها

همان‌گونه که در قسمت گذشته ملاحظه شد مسایل مختلفی در حقوق امنیتی مطرح می‌گردد که برخی از آنها مستقیماً مربوط به رسانه‌ها و بعضی دیگر به طور غیرمستقیم قالبها و چهارچوبهای مرتبط با رسانه‌ها را بیان می‌کند. از مجموع مباحث گذشته دو اصل کلی استنباط می‌گردد:

۱- اصل لزوم وجود رسانه‌ها و حق اظهارنظر و آزادی بیان

۲- اصل لزوم رعایت حدود و چهارچوبهای امنیتی (عمومی و ملی)

نکته مهم در این بحث چگونگی برقراری تعادل بین این دو اصل است و گرنه دربارهٔ اصل مسأله، در هیچ نظام حقوقی اختلاف وجود ندارد؛ بدین معنا که هیچ آزادی و حقی در اطلاق خود باقی نمانده است و همواره قیودی برای آن دیده می‌شود و از سوی دیگر

۱۳۳ در شرایط فعلی جهان در هیچ نظام حقوقی، سلب آزادی به معنای مطلق آن وجود ندارد. در هر حال هنر حقوق امنیتی هر کشور آن است که با ملاحظه شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مناسب‌ترین وضع برای همنشینی دو اصل فوق را پدید آورد. در این خصوص چند نکته قابل توجه است:

۱ - تقدم اصل اول بر اصل دوم: برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی، حقوق امنیتی جوامع مردم‌سالار، اصل را بر آزادی بیان و جریان اطلاعات قرار می‌دهد، (۵) زیرا این امر در صورتی که سایر نهادهای جامعه، کارکرد مناسب خود را داشته باشند به طور طبیعی موجب حفظ و تقویت امنیت و ثبات می‌گردد. البته بدیهی است در شرایطی که سایر نهادها به خوبی کار نکنند به دلیل سیستمی بودن نظام اجتماعی و سیاسی، اصل آزادی بیان ممکن است زیان‌آور و آفت‌زا باشد. (۶)

اعمال برخی از اصول قانون اساسی مانند امر به معروف و نهی از منکر (با توجه به معنای وسیع آن در معارف و حقوق اسلام) نیازمند جسارت و وجود شرایط مناسب است که تنها از طریق آزادی بیان قابل اجراست.

۲ - بیان و شفاف کردن محدودیتها: با توجه به بند گذشته، از آن جا که محدودیتها، استثناء و خلاف اصل است و احتمالاً به دلیل درگیر شدن آنها با مباحث امنیتی، مجازات را به دنبال دارد، براساس قاعده «قیح عقاب بلا بیان» (۷) باید استثنائات، شفاف و روشن در حد مقدور تأویل‌ناپذیر باشد.

همچنین لازم است در برخی از موارد نهادهایی در موضوعات مهم نقشی هدایت‌کننده یا هشداردهنده را بازی کنند. همان‌گونه که در اصل ۱۷۶ قانون اساسی ملاحظه شد، در مسایل امنیتی - دفاعی، شورای عالی امنیت مسؤول هماهنگی امور مختلف از جمله امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. لازم است شورای عالی امنیت در توضیح، تفسیر و هشدار نسبت به اصول، اهداف و منافع ملی بیش از پیش فعال باشد. در طرح اصلاح قانون مطبوعات تا حدی به این نکته توجه شده است. این امر در کشورهای دیگر نیز سابقه دارد؛ در کشور انگلستان، رسانه‌ها برای انتشار اخبار مربوط به عملیات، طرحها و تواناییهای امنیتی و دفاعی، امکانات عملیاتی، جنگ افزارهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای، رمز و ارتباطات امنیتی و پنهان، اظهار هویت تأسیسات خاص، امنیت بریتانیا و دستگاههای اطلاعاتی، با کمیته مشورتی دفاعی

انتشارات و شبکه‌ها موسوم به (DAC)^۱ که مستقر در وزارت دفاع است رایزنی می‌کنند. در این مورد مجوزی تحت عنوان (DAN)^۲ این امر جنبه الزامی و حقوقی ندارد اما سردبیر روزنامه‌ها می‌دانند که در صورت عدم مشورت ممکن است دادستان براساس قانون اسرار دولتی آنها را تحت تعقیب قانونی قرار دهد. همچنین یکی از وظایف این کمیته آن است که در موارد ویژه به رسانه‌ها اطلاع می‌دهد که جریان یا موضوع خاصی ممکن است امنیت ملی را تهدید کند.^(۸)

۳- هماهنگی بین اصول و قواعد رسانه‌ها با سایر اصول حقوق امنیتی

۴- پیش‌بینی ضمانت اجرای کافی برای قواعد حاکم بر رسانه‌ها: حقوق امنیتی به معنای عام باید نظامی را پیش‌بینی کند که در مقام تفسیر و اجرای قواعد و مقررات اطمینان و تضمین کافی وجود داشته باشد. از این جهت تفاوتی بین دو اصل کلی حاکم بر رسانه‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر همچنان که ضمانت اجرای کافی برای حق و آزادیها پیش‌بینی می‌شود، محدودیتها نیز باید ضمانت لازم را داشته باشد، افراط و تفریط در هر یک موجب اخلال در ثبات سیاسی و اجتماعی است.

۵- توسعه منابع و نهادهای تکمیلی حقوق امنیتی: در حقوق کشور ما، به دلایل مختلف، منابع حقوق امنیتی محدود است. هنوز منابعی مانند آراء اشخاص و مقامات ذیصلاح^(۹) (حتی حضرت امام ره و مقام معظم رهبری) به معنای فنی در حقوق امنیتی ما جای نگرفته است در حالی که در اسناد و منابع حقوق خارجی چنین امری به صورت منظم جریان دارد. همچنین رویه قضایی در کشور ما در مورد رسانه‌ها بسیار جوان و نابالغ است و در مقام تفسیر و توضیح آزادیها و محدودیتهای قانونی، سخن زیادی گفته نشده است اما در بسیاری از کشورها، دعاوی مختلفی در خصوص حقوق و تکالیف رسانه‌ها طرح گردیده که دادگاههای عالی آن کشورها به منظور شفاف کردن مفاهیم و مصادیق موضوعات، بحثهای مفصلی را مطرح کرده‌اند.^(۱۰)

1- Defence Press And Broadcasting Advisory Committee

2- Defence Advisory Notice

همان‌گونه که قبل از این بیان شد، رسانه‌ها به معنای عام (اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری و رایانه‌ای...) در جهان امروز حقایقی هستند که به دلیل ماهیت خود در بسیاری از سطوح سیاسی و اجتماعی تأثیرگذارند. در جوامع مدرن، رسانه‌ها از مهمترین ابزارهای کنترل اجتماعی تلقی می‌شوند (۱۱) و از این نظر می‌توانند به شدت در موضوع ثبات سیاسی - اجتماعی دخالت کنند.

با توجه به شرایط عمومی کشور به نظر می‌رسد این ابزار کارکرد حقیقی خود را ندارد. بخشی از دلایل این امر را باید در مبحث پیشین یعنی چگونگی آرایش قواعد حقوقی و نهادهای تکمیلی آن جستجو کرد، اما بخش دیگر و به نظر نگارنده بخش مهمتر مربوط به شرایط عمومی کشور و شرایط داخلی رسانه‌هاست. در این مورد بیشتر، رسانه‌های نوشتاری (روزنامه‌ها و مجلات) مورد نظر هستند و درخصوص رسانه صدا و سیما نیز به‌طور خاص و به اختصار مطالبی بیان خواهد شد:

۱- کنترل حریف و حفظ منافع جناحی

بدیهی است که هر گروه، حزب یا جناحی حق دارد در رسانه خاص خود اهداف و نظرات خود را بیان کند اما با توجه به اصول حقوق امنیتی در یک نظام منطقی، نظرات مختلف باید در چهارچوب اصول، اهداف و منافع ملی قرار گیرد یا حداقل غلبه با آن باشد. اما اگر مسأله برعکس شد و منافع و اهداف گروهی بر منافع ملی پیشی گرفت، ثبات سیاسی به دلیل نقش آفرینی رسانه در افکار عمومی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. متأسفانه در شرایط موجود در کشور غالباً (نه تماماً) رسانه‌های نوشتاری سیاسی - اجتماعی نه تنها منافع جناحی را مقدم می‌دارند بلکه به همراه آن در تضعیف دیگران تلاش می‌کنند. به اعتقاد نگارنده این امر هیچ اساس ثابتی بر استقرار و ثبات و هم‌زمانی را باقی نمی‌گذارد. اصول جناح‌ها و به تبع آنها رسانه‌ها تا حد زیادی تابع موضع‌گیری و شرایطی است که برای حریف او پیش می‌آید.

اگر چه طبق نظر محققان، رسانه‌ها، برای افکار عمومی تصمیم‌سازی نمی‌کنند بلکه فقط موضوعاتی را بزرگ می‌نمایند (۱۲) اما در هر حال تأثیر آنها بر افکار عمومی انکارناپذیر است. اگر این سخن صحیح باشد که افکار عمومی قدرت پنهان حکومت است، تأثیر کارکرد منفی مسایل جاری بر قدرت ملی و ثبات سیاسی مشخص می‌گردد.

ابزار مهمی مانند رسانه وقتی می‌تواند نقش خود را به خوبی ایفاء کند که به تمامی حقوق و تکالیف خود توجه کند. نگاهی به اصول قانون اساسی و قانون مطبوعات در خصوص وظایف رسانه‌ها نشان می‌دهد که بیشترین مباحث و مسایل نوشته شده در چند سال اخیر به بیان، تفسیر و توضیح محدودیتها و استثنائات حقوق رسانه‌ای عنایت ورزیده است در حالی که مسایلی همچون تکامل فرهنگ اسلامی، یکپارچگی ملی، تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی، مبارزه با مرزبندیهای کاذب و تفرقه، مبارزه با اسراف، تجمل و فحشاء و مانند آن، کمترین سهم را بین اخبار و اطلاعات منتشره داشته است. با توجه به مطالب قبلی، مسأله باید برعکس باشد زیرا اعطای حقوق و آزادیها به رسانه‌ها در یک جامعه منظم، برای رسانه، تکلیفی را در این باره که رسانه فضای گفتمانی مورد قبول جامعه را تقویت کند، در مقابل جامعه پدید می‌آورد. در چنین حالتی می‌توان انتظار داشت رسانه نقش کنترل اجتماعی خود را انجام دهد زیرا در مباحث جدید، کنترل بیش از آنکه به جنبه‌های منفی و بازدارنده توجه کند به جنبه‌های مثبت و هدایتی می‌پردازد. مشهور آن است که افکار عمومی، بیشتر به صورت واکنش بروز می‌یابد تا کنش و معمولاً افکار عمومی نیاید را بهتر می‌گوید تا نیایدها. (۱۲۳) این ویژگی به دلیل ماهیت و ویژگیهای افکار عمومی صحیح است اما متأسفانه این خصوصیت در جامعه روشنفکری ما نیز وجود دارد. از گذشته، جامعه روشنفکری ما علاقه بیشتری به انکار و نفی نشان داده است اما در مقام اثبات، پیشنهاد و چه باید کرد، خود را ناتوان می‌نمایاند. شاید شرایط موجود در رسانه‌ها تا حدی ناشی از این امر باشد و شاید این امر به دلیل تجربه نکردن نقش آفرینی روشنفکری درون نظام باشد زیرا خصلت مذکور در روشنفکری مخالف، کارآیی دارد.

البته مطالب فوق را نباید به معنی نادیده گرفتن برخی کارکردهای مثبت رسانه‌ها دانست، به طور مثال یکی از وظایف ایجابی رسانه‌ها توسعه اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی است که نقش مثبت رسانه‌ها در این امر شهود می‌نماید، اما کاستیهای موجود می‌تواند این کارکردها را نیز تحت شعاع قرار دهد. در هر حال اگر سامان جدی برای بازی صحیح این بازیکن در میدان به وجود نیاید توسعه کمی آن مانند سایر مباحث توسعه بی‌فایده است. در برخی از کشورهای پیشرفته روزانه حدود ۲۰۰۰ عنوان روزنامه و مجله با شمارگان نزدیک به ۷۰ میلیون تولید می‌شود. (۱۲۴) چگونه می‌توان

تصور کرد این کمیت بدون قالب و چهارچوبهای متقن نه تنها با اهداف و اصول، مابین و ۱۳۷ معارض نباشد بلکه نظام سیاسی و حقوقی را تقویت کند؟

۳- کنترل درونی یا القایی^۱ و کنترل بیرونی یا اجباری^۲

نظریه پردازان کنترل اجتماعی، ابزارهای متعددی را برای کنترل اجتماعی ذکر می‌کنند که مهمترین آنها، قانون و قواعد رسمی، رهبری، رسانه‌ها، خانواده و آموزش است. (۱۵)

برخی از این ابزارها رسمی و متکی به قوه قاهره است که به طور کلی تحت عنوان حقوق بررسی می‌شود. بخش دیگر نیز اگرچه در چهارچوب حقوق قرار می‌گیرند اما در مقام عمل به صورت اختیاری و مستقل به فعالیت و نقش آفرینی می‌پردازند.

اگرچه وجود ابزارهای رسمی از خصوصیات جوامع پیچیده دانسته شده اما محققان معتقدند در صورت وجود شرایط مناسب، ابزارهای کنترلی اختیاری که از طریق رقابت، مشارکت و اظهار عقاید به کنترل می‌پردازند کارآمدتر هستند. (۱۶)

در جوامع یکدست^۳ که پایه‌های وحدت تثبیت شده است به طور طبیعی کنترل اختیاری بیشترین سهم را در تطبیق آحاد جامعه با هنجارها دارد. اما زمانی که گروه‌های متعارض رفتارهای متعارضی را القاء می‌کنند کنترل خارجی تقویت می‌شود؛ (۱۷) این قاعده متداول در حقوق و اجتماع است.

به نظر می‌رسد رسانه‌ها با توجه به اهداف و منافع امنیتی نظام باید بکوشند تا سهم کنترل‌های اختیاری در کشور افزایش یابد و کنترل رسمی^۴ به تدریج کاهش پیدا کند تا کنترل‌های مستقیم و اجباری در موارد خاص و ضروری اعمال شود؛ زیرا افزایش سهم کنترل اجباری در درازمدت به طور طبیعی در فضای جوامع مردم‌سالار مشکلاتی را پدید آورده و ثبات سیاسی را برهم می‌زند (۱۸) (البته ممکن است در نظام‌های غیر مردم‌سالار مسأله به این شکل نباشد). به نظر می‌رسد رسانه‌ها و جناح‌های سیاسی در کنار سیاست‌گذاران عالی نظام می‌توانند با تأمل بیشتر زمینه‌ساز تحقق این امر باشند.

1- Internal (Suggestive) Control.

2- External (regulative) Control.

3- Homogeneous

4- Formal Control

تنها راه برای تحقق «وحدت در کثرت» در جوامع جدید، سازگاری منطقی بین حقوق و نظریات سیاسی-اجتماعی است. بدون شک نظریات مختلفی در مسایل متنوع و گوناگون سیاسی-اجتماعی وجود دارد که در غالب آنها نمی توان به طور کامل یک نظر را پذیرفت یا نظری را رد کرد. اما الزامات حیات اجتماعی اقتضاء می کند تا از طرق مختلف تک تک افراد جامعه بر انتخاب و اجرای برخی نظرات توافق کنند و حقوق و تکالیف عمومی خود را براساس آن سامان دهند. در این میان سایر نظرات که برگزیده نشده اند در صورتی که با اصول و اهداف کلی امنیتی و ملی معارض نباشند می توانند به بررسی درآیند و از طریق مقبول در زمانهای بعد خود را در معرض انتخاب جامعه قرار دهند. اما اگر نظریات به اشتباه، کارکرد حقوق (به معنای الزامات) را داشته باشند بدیهی است تنها کثرت وجود دارد و وحدتی حاصل نخواهد شد. نظریات در الزامات اجتماعی دوکارکرد دارد یک کارکرد مربوط به مرحله قبل از تدوین الزامات است؛ در این مرحله نظریات مختلف می توانند قانونگذاران را در پیدا کردن راه حل بهتر کمک کنند و دوم مربوط به مرحله بعد از تدوین قانون است که در این مرحله نظریات می توانند مراجع تفسیری و مجریان قانون را به سوی بهترین تفسیر و مناسب ترین نوع اجرا رهنمون گردند. (۱۹)

یکی از کاستیهای رسانه های نوشتاری، این است که در موارد متعددی بین کارکرد نظریات و الزامات اجتماعی درآمیخته اند. این امر اختصاص به جناح یا گروه خاصی ندارد و در گروههای مختلف این اشتباه مشاهده می شود. بدیهی است که اصلاحات در درون هر نظام سیاسی با توجه به نظریات و آموزه های مختلف در مسیر خاصی صورت می گیرد و خروج از این مسیر موجب بی نظمی است.

به نظر می رسد رسانه های ما در حال آزمودن چنین مسیری هستند. در صورتی که ابزارهای متنوع کنترل اجتماعی بتواند دوران تجربه را به سلامت از سر عبور دهند امید است که مسیر طبیعی و منطقی روشن شود.

۵- آموزش

یکی از کارویژه ها، رسالتها و شاید به تعبیر صحیح تر حقوق رسانه ها، آموزش و گسترش آن در سطح جامعه است. بدیهی است نقش رسانه ها در آموزش با نقش مراکزی مانند آموزش و پرورش یا آموزش عالی متفاوت است. رسانه ها به دلیل

ویژگی‌های ذاتی خود در آموزش چهارچوبها و هنجارها و تطبیق اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. آموزش خود از ابزار کنترل اجتماعی تلقی شده است و چنانچه رسانه‌ها به آموزش نیز پردازند ابزار کنترل اجتماعی تقویت می‌گردد. یکی از مشکلات موجود (۲۰) در مباحث سیاسی و گروهی در کشور، اختلاف در مفاهیم و خوانشهای مختلف از عناوین است. این امر تا حدی طبیعی است و در تمام کشورها جریان دارد. اما رفتارهای افراطی در این اختلافات چه از نظر کمی چه از جهت شدت حاکی از نارساییهای نظری است (صرف نظر از غرض ورزی و دشمنیها). آموزش مفاهیم بنیادین امنیتی و ملی (خصوصاً قانون اساسی) و همچنین التزام و پایبندی به قانون یک امر فرهنگی و گام به گام است. رسیدن به نقطه مطلوب نیازمند فعالیت طولانی و گسترده است که رسانه‌ها می‌توانند از این جهت ایفاگر نقشی مؤثر باشند.

بنابر ادعای برخی از نویسندگان آمریکایی، احترام به قانون، اطاعت و درک مفاهیم اساسی مانند دموکراسی، آزادی، مذهب، قانون اساسی از ابتدایی‌ترین ویژگیها و شرایطی است که برای کودکان آمریکایی وجود دارد. (۲۱) صرف نظر از میزان صحت این ادعا، با توجه به مشاهدات عینی اصل مسأله قابل تصدیق است. بنابراین تصمیم‌سازان نظام ما نیز باید به شکل جدی به مسأله آموزش توجه داشته باشند.

سوم - رسانه تصویری صدا و سیما

رادیو و تلویزیون به ویژه تلویزیون به دلیل ویژگیهایی همچون عمومی بودن، داشتن مخاطب فراوان، دسترسی آسان، جذابیت و چندرسانه‌ای بودن^۱ در بین رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

معمولاً در کشورهای جهان حتی کشورهای پیشرفته برخلاف رسانه‌های نوشتاری، رسانه‌های دیداری، یا دولتی است و یا با شرایط و ضوابط سخت‌تری به صورت خصوصی تأسیس می‌شود، اما تابع بسیاری از ضوابط عمومی می‌باشد و مجوز تأسیس شبکه رادیو و تلویزیون تنها در چهارچوب منافع عمومی و مصلحت و نیاز صادر می‌شود. (۲۲) در واقع این محدودیت خود نوعی کنترل اجتماعی رسمی به شمار می‌رود. در کشور ما رسانه صدا و سیما دولتی و عمومی است و بنابر ظاهر عبارات برخی از اصول

قانون اساسی، رادیو و تلویزیون خصوصی پیش‌بینی نشده است. این امر به صورت طبیعی محدودیت‌هایی را برای این رسانه می‌آفریند. به نظر می‌رسد رسانه مذکور در کنار نقاط مثبت خود از چند جهت نارسایی‌هایی دارد و همین امر مستقیماً یا به طور غیرمستقیم (خصوصاً با توجه به گستردگی این رسانه) بر روی مسایل امنیتی تأثیرگذار بوده است:

۱- تبیین مسایل ملی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد یکی از کارویژه‌های رسانه‌ها، آموزش هنجارها خصوصاً هنجارهای رسمی یک نظام سیاسی است، مفاهیمی مانند دین، حکومت دینی، ولایت فقیه، وحدت ملی و آزادی بیان و... باید در رسانه، خصوصاً رسانه رسمی و عمومی با استفاده از روشهای جذاب نهادینه شود.

البته همان‌گونه که بیان شد این وظیفه به صدا و سیما اختصاص ندارد، رسانه‌های نوشتاری، سینما و تئاتر و مانند آنها نیز این وظیفه را برعهده دارند.

مناسب است به فیلمها و سریالهایی که برای تثبیت «آموزه نظم نوین جهانی» در آمریکا ساخته و پخش شد توجه شود یا به نمونه‌هایی از فعالیتهای سینمایی که در مورد بشردوستی آمریکا و تقبیح تروریسم صورت گرفته دقت گردد.

بدیهی است غرض از این بیان، مقایسه کمی یا فنی نیست بلکه مقصود توجه به نوع سیاستگذاری و چگونگی استفاده از ابزارهای کنترلی به منظور تثبیت بنیانهای نظام سیاسی است.

۲- تکثرگرایی و نظریات مختلف

به دلیل همگانی بودن این رسانه، انتظار آن است که نظریات غیرمعارض با اصول و اهداف ملی در این رسانه مورد بررسی و مفاهیم قرار گیرد، این عمل خود نوعی کنترل اجتماعی تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد صدا و سیما در این زمینه باید سیاستها و روشهای جدیدی را در پیش گیرد تا از این جهت به کارویژه‌های اثباتی خود در قانون اساسی و قوانین خاص مربوط به صدا و سیما بیش از پیش عمل نماید.

از دید نویسنده بسیاری از اختلافات جناحی با توجه به جایگاه صدا و سیما وجود نمایندگان سه قوه در آن باتدبیر از طریق این رسانه مهم قابل حل می‌باشد.

گستره این رسانه با امنیت و ثبات سیاسی رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر در

۱۴۱ صورتی که روشهای نادرست موجب کاهش اعتماد افکار عمومی به این رسانه باشد عملاً ابزار کنترلی مهمی از دست حاکمیت خارج می‌گردد که این امر به طور مستقیم بر ثبات، قدرت و امنیت ملی تأثیرگذار تواند بود.

۳- هماهنگی بین برنامه‌ها

یکی از اشکالات موجود در صدا و سیما، ناهماهنگی نسبی بین هنجارهاست. در برخی از موارد مفاهیم هنجاری و ارزشی در برنامه‌های صدا و سیما دچار تعارض می‌شود. برنامه‌ای در مورد ساده‌زیستی و زهد به دنبال سریال و فیلمی که آکنده از تجمل‌گرایی است پخش می‌شود، برنامه سخنرانی در خصوص ادب و کلام زیبا در کنار فیلم یا طنزی که به صورت افراطی حاوی کلمات و سخنان بی‌معناست قرار می‌گیرد، در برخی برنامه‌ها از عفت عمومی و روابط زن و مرد به شکل جدی بحث می‌شود و در برخی دیگر خصوصاً فیلمهای خارجی (علیرغم سانسور) صحنه‌های معارض به‌طور گسترده پخش می‌شود.

این قاعده عمومی در مسایل اجتماعی باید مورد توجه باشد که مقدمه حذف یک هنجار، القای تعارض آن با هنجارهای جدید است. از این رو سیاستگذاران و مجریان این رسانه باید به راهبرد کلان صدا و سیما با توجه به اصول و مبانی حقوقی و وظایف و اهداف آن سازمان توجه خاص داشته باشند و توسعه کمی را با توجه به توان مدیریت و توسعه راهبرد و قدرت انجام دهند.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله آن بود که رابطه بین حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها را تبیین نماید. ایده کلی این نوشتار آن است که این ۳ عنصر، اجزای یک سیستم هستند و باید با تعامل منطقی بین یکدیگر تأمین‌کننده حیات این سیستم باشند. کارکرد نادرست هر یک می‌تواند در نظام مفروض، اختلال پدید آورد. همچنین ترتیب مذکور در سه جزء فوق حاکی از تقدم و تفوق اجزاء در یک رابطه طولی است. به این معنا که رسانه، مصداقی از ابزارهای کنترل اجتماعی است و باید وظیفه خود را در سایه تئوریهای کنترل اجتماعی انجام دهد؛ از طرف دیگر کنترل اجتماعی و کارکرد رسانه‌ها نیز در فضای ساختاری حقوق امنیتی هر نظام سیاسی معنا پیدا می‌کند و نقش آفرینی رسانه خارج از چهارچوب مفروض یک نظام سیاسی بی‌معنا، غیرمنطقی و عامل بی‌ثباتی و ناامنی است.

یادداشتها

- 1- Norton, John Moore, Frederick S. Tipson, Robert F. Turner, **National Security Law**, Carolina Academic press, U.S.A. 1990, p. XXXV.
 - 2- Janowitz Morris, "The Intellectual History of Social Control", in: Joseph S. Roucek, **Social Control For The 1980s**, Green-Wood Press, London, 1978, p. 20.
 - 3- Roucek, Joseph S., "The Concept of Social Control in American Sociology", in: Ibid., pp. 4-11.
- ۴- به طور مثال به منبع زیر مراجعه نمایید:
- Moore, John Norton, Guy B. Roberts, Robert F. Turner, **National Security Law Documents**, Carolina Academic Press, U.S.A., 1995.
- 5- **National Security Law**, op.cit, pp. 971-999.
 - ۶- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه و نشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳.
 - ۷- مفاد ادله‌ای مانند آیه شریفه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء - ۱۵). این قاعده از ابتدایی‌ترین قواعد حقوقی در تمام نظامهای حقوقی است.
 - 8- Carey, Peter, **Media Law**, Sweet & Maxwell, London, 1996, pp. 114-115.
 - 9- **National Security Law**, op.cit.
 - 10- **Media Law**, op.cit., p. 116.
 - 11- **The Concep of Social Control in American Society**, op.cit. p. 271.
 - 12- MartinL., John, "Public opinion", in: Ibid, op.cit., p. 293.
 - 13- Ibid., 294.
 - ۱۴- در سال ۱۹۷۵، به طور متوسط ۱۷۵۰ روزنامه در شمارگان ۶۳ میلیون نسخه و ۹۶۰۰ هفته‌نامه چاپ می‌شده است، نگاه کنید:

- O'Keefe, M. Timothy, "Journalism And Advertising", in; **The Concept of Social Control in American Society**, op.cit. p. 325.

15- **The Concept of Social Control in American Society**, op.cit., p. 14.

16- Ibid., pp. 11-12.

17- Ibid., p. 12.

18- Ibid., p. 13.

۱۹- ره‌پیک، حسن، «حقوق امنیتی، تصمیم‌گیری سیاسی، جامعه امن»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۱۳. همچنین: ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، چاپ دهم، بهنشر، تهران، صص ۴۳- ۴۶ و ۱۳۷.

20- **The Concept of Social Control in American Society**, p. 14.

21- Ibid., p. 12.

22- Bell, John, Sophie Boyron and Simon Whittaker, **Principles of French Law**, London, Oxford, 1998, p. 159. also: "Journalism And Advertising", op.cit., pp. 323-324.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی